



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری ادبیات معاصر
سال دوم، شماره هشتم و نهم، خزان و زمستان ۱۳۹۶
صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه
مدیر مسئول: حسین حیدریگی
معاون مدیر مسئول: علی پیام

دبیر بخش شعر: محمود جعفری ترخانی
مدیر هنری: هادی مروج
مدیر اجرایی: رشید محمدی
ویراستار: گروه ویراستاران

اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

تقی واحدی، حسین فخری، حبیب صادقی، حسین رهیاب،
حفیظ شریعتی (سحر)، حمزه واعظی، دین محمد جاوید،
روح‌الله روحانی، زهرا حسین‌زاده، سلمان‌علی ارزگانی،
سید ابوطالب مظفری، شوکت‌علی محمدی شاری، صادق دهقان،
عبدالشکور نظری، علی بابا اورنگ، فاطمه روشن، قاسم‌سام قاموس،
قنبر علی تابش، محمدشرف سعیدی، محمدیونس طغیان ساکایی،
محمود جعفری ترخانی، نادر احمدی.

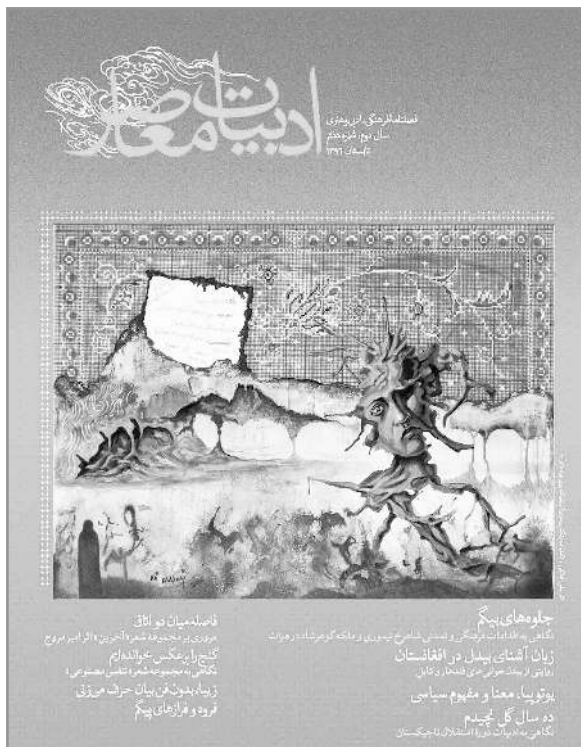
همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

ادریس بختیاری، اسدالله امیری، امان میرزایی، آصف جوادی،
الهام بهروز، الهه حسینی، بنیاد امید، حسین بیوک، رضا رفیعی‌راد،
سمیرا حق‌شنو، سید حکیم بینش، سیدرضا محمدی،
عصمت الطاف، علی‌رضا حسینی، علی‌رضا محمدی،
علی شیررستگار، عیدمحمد شیرزاد، فاروق انصاری، لیلا خالقی،
محمدجان ستوده، محمدسرور مولایی، معصومه جعفری،
موسی شفق، مهدی زرتشت، میرحسین مهدوی، نبی عظیمی.



ادبیات معاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری - سال دوم، شماره هشتم و نهم
خزان و زمستان ۱۳۹۶



طرح روی جلد شماره هفتم

ایران - مشهد: سید ابوطالب مظفری: شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۶۴۶۵۸۱۷۷
قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، محمدعلی جویا، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۱۰۲۰۴۸۰۰۷
تهران: صادق دهقان، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۶۷۰۳۰۹۷
استرالیا - آدلاید: نادر احمدی: شماره تماس: ۰۰۶۱۴۳۲۱۴۰۲۷۷
اروپا - اروپای شرقی - ناروی: حمزه واعظی، شماره تماس: ۰۰۴۷۹۶۸۵۷۳۳۱
اروپای مرکزی - انگلستان: ابراهیم افتخاری، شماره تماس: ۰۰۴۴۷۵۸۷۶۹۱۴۵۵

مجله در ویرایش و کوتاه کردن مطالب دست باز دارد.
مسئولیت محتوای مطالب به دوش نویسنده است.
اخذ مطالب از این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.
مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی‌شود.
بها: ۱۷۰ افغانی

مراکز بخش
افغانستان - کابل: چهارراهی بل سرخ، مارکت ملی، انتشارات بنیاد اندیشه،
شماره‌های تماس: ۰۰۹۳۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۰۹۳۷۴۴۲۰۸۳۹۲
E-mail: adabyat2016@gmail.com
مزار شریف: تقی واحدی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۵۳۹۳۶۶
هرات: عبدالواحد رفیعی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۴۰۹۹۳۲
دایکندی: عبدالهادی رحیمی‌زاده، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۵۵۷۷۸۲۹
بامیان: محمدامین ابتهاج حجتی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۶۶۷۰۱۲۳۴
غزنی: حکمت‌الله نظری، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۴۴۵۶۰۷۷۲
تاجیکستان - پروفیسور روشن رحمان، شماره تماس: ۰۰۹۲۹۱۹۸۹۰۲۰۸

نظریه ای که من به آن رسیده ام / خادم حسین ناطقی شفا بی کیو / ۵
عاشقم سنگ جفا از سر دیوار نرو / سید انور آزاد / ۶

بررسی پدیده نوروژ در فرهنگ افغانستانی و ترکی / فاروق انصاری / ۸
گاوا، سرزمین گاوی ها / محمدیونس طغیان ساکایی / ۱۶
چیستی اسطوره، حماسه و شایعه و گذری بر افسانه های هزاره گی / شوکت علی محمدی شاری / ۲۵
گذری بر کوه و کتل بیدل (خوانش انتقادی «نقد بیدل» اثر علامه صلاح الدین سلجوقی) / محمدجان ستوده / ۴۰
طرح گفتمان صلح در شعر ضد جنگ / علی شیر رستگار / ۵۰

بررسی کارنامه ادبی سید ابوطالب مظفری

اسطوره سازی نیاز قبیله ام بود (گفتگویی با سید ابوطالب مظفری) / حسین حیدر بیگی / ۵۶
درویش، خلیل جبران، مظفری (مقایسه تطبیقی اشعار سه شاعر با استفاده از نظریه کیت جانسون) / الهام بهروز، علی رضا حسینی / ۷۲
خاستگاه اسطوره در شعر ابوطالب مظفری / قنبر علی تابش / ۸۲
آن بوم مند دانا (حدیث بوم مندی در شعر سید ابوطالب مظفری) / نادر احمدی / ۹۶
های مادر! (مؤلفه های جنگ و ضد جنگ در شعرهای سید ابوطالب مظفری) / حفیظ شریعتی سحر / ۱۰۲
بیا دمبوره / محمد شریف سعیدی / ۱۱۲
متن عتیقی از جنس زنان (بررسی زن در کارنامه شعری ابوطالب مظفری) / زهرا حسین زاده / ۱۱۸
شعر؛ خود شاعر است / سید رضا محمدی / ۱۲۴
شعر زندگی (شعر و زندگی ابوطالب مظفری) / میر حسین مهدوی / ۱۲۸
رگه های داستانی در اشعار مظفری / حسین رهیاب (بلخی) / ۱۳۲
صدازنده است (نمادگرایی در شعر سید ابوطالب مظفری) / سید حکیم بینش / ۱۳۹
دریا مرا ز روز ازل تشنه آفرید (برخی از ویژگی های شعری ابوطالب مظفری) / علی رضا محمدی / ۱۴۲
اندوه های باغچارانه / عید محمد شیرزاد / ۱۴۶

سرزمین هزارویک شب و ادبیات افغانستان / گفتگو با غسان حمدان، نویسنده و مترجم عراقی / حسین بیوک / ۱۵۲
ذات قدسی هنر / آصف جوادی / ۱۵۷
کار بست مفهوم سنتی گیاه / بررسی مجموعه نقاشی های مدرن «گل و سنگ» اثر حسین کاظمی / ارضارفعی راد، سمیرا حق شنو / ۱۶۵
فرهاد در برابر بیستون اشرفیت / موسی شفق / ۱۷۲
باید مُرد و منتظر ماند / رهیافتی به شعرهای شهرام شیدایی با تکیه بر مجموعه «خندیدن در خانه ای که می سوخت» / ادريس بختیاری / ۱۸۱
گفتمانی با گاهان / مروی بر «گاهان» مجموعه شعر تهماسبی خراسانی / محمد سرور مولایی / ۱۸۸
روشنی و ابهام؛ غرق در ماه / نقد مجموعه شعر «غرق در ماه» اثر حکمت نظری / بنیاد امید / ۱۹۴
دو عالم یک در باز است و می جویم کلید این جا / مروی بر دفتر شعر نعمت دریاب / امان میرزایی / ۲۰۲
مرور دریا در کوزه / بررسی رمان دریای سرگیسو اثر جین ریز / محمد شریف سعیدی / ۲۰۵
سخنی چند درباره رمان شوکران در ساتگین سرخ / نبی عظیمی / ۲۰۹

شعر معاصر افغانستان: ابراهیم امینی، علی اکبر زاولی، مزدا مهرگان، محمود جعفری ترخانی، سید سکندر حسینی بامداد، صالح محمد خلیق، شکور نظری، نور محمد نورنیا، عصمت الله سپروس، فروزان کریمی، مقصود حیدریان / ۲۱۵
شعر معاصر ایران: سودابه مهیجی، حسین طاهری، سید مرتضی نجاتی، آرزو سبزوآر قهقرخی، علی رضا راهب / ۲۳۱
داستان: دانه گی / عبدالواحد رفیعی / ۲۳۸
دیوار مرگ / الهه حسینی / ۲۴۴
کرانه شرقی در ساعت کم نور / لیلا خالقی / ۲۴۷
داستان ترجمه: ثانیه های آخر زندگی / کسینا کوزلینسکایا / برگردان: مهدی زردتشت / ۲۴۹



تاسیس ۱۳۹۲

یادکرد: از ما ربود جور خزان هر چه کاشتیم / یاد از سخنی جهانگیر، نوازنده و خواننده محلی / سحر ارغندابی / ۲۵۲
گزارش: رونمایی کتاب آثار باستانی جاغوری / ۲۵۴
اهدای جایزه بین المللی غالب دهلوی به پروفیسور سید حسن عباس / عباس کیفی / ۲۵۵
ششمین دور جشنواره ادبی هزارویک شب / ۲۵۶
گزارش کنگره بین المللی رودکی / گروه راه ابریشم / ۲۵۸
هدیه ای است از آن سوی آب ها / کتاب هزاره ها و حاکمیت های استبدادی صد سال اخیر / عصمت الطاف / ۲۶۰
نمایشگاه عکس «سرزمین گل بادم» در کابل / ۲۶۴
رونمایی کتاب تاریخ سلطانی / معصومه جعفری / ۲۶۷
نهمین جشنواره قندپارسی / اسدالله امیری / ۲۶۹
رونمایی کتاب نی رنج، مجموعه شعر مژگان فرامش / ۲۷۳
نمایشگاه هنرهای تجسمی «نیمروز» در فرهنگسرای نیاوران ایران با موضوع هنر افغانستان / ۲۷۵
کتابخانه / ۲۸۰



خواهش‌های بی‌جامی‌پرد ما را ز بزم وصل،

بازگشت به گذشته

هنگامی که به سمت گذشته فرهنگی خودمان روی برمی‌گردانیم، قله‌های تسخیرناپذیری را پشت سرمان می‌بینیم؛ قله‌های فکری و فرهنگی‌ای که با گذر زمان و پیشرفت در زمینه‌های ساخت و بافت زبانی و کشف فضاها و تکنیک‌های گویشی و روایی، هنوز هم سر بر آسمان می‌سایند و خرامش جولانگه‌پرهای شکوه‌مند پرندگان بلند پروازند. گذشت زمان و ظهور و بروز نسل‌های فکری و فرهنگی و تغییر و تحول فضاها، ساختاری، رویکردهای جدیدی را در زمینه‌های زبان و ساختار ادبی به وجود آورده است؛ اما باز هم از لحاظ درونمایه و تجربه ساختاری و زبانی در بسیاری از جهات، نتوانسته‌اند وضعیتی را ایجاد کنند که بتوانند از کوه و کتل‌های آثار آفریده شده گذشته بگذرند و گام به مرغزاری بگذارند که برتری را از هرسوی نوید دهنده باشد. بالندگی و خلق آثار منحصر به فرد و تکامل و خلق جریان‌های خلاق ادبی و فکری، در واقع محصول و دستاورد زمینه‌ها و عواملی است که همواره در بستر فرهنگی جامعه جریان داشته است و می‌توان یکی از آن عوامل را زیست حرفه‌ای فرهنگی دانست.

زیست حرفه‌ای فرهنگی همان شیوه و سلوکی را می‌توان گفت که تیپ فرهنگی بریده از تمام مشغله‌های جاری در اجتماع و گفتمان‌ها و متمرکز به حوزه فکری و ادبی، گام به سوی یگانه‌قله‌های شکوه‌مند آفرینش و بیان کج‌تابی‌های رفتاری بشر برمی‌دارند. در تاریخ ادبیات کلاسیک ما بیشتر از این نوع سلوک دیده می‌شود نسبت به روزگاران پسین. گام برداشتن در مسیر زیست حرفه‌ای فرهنگی شاید تحمل سختی‌هایی را به همراه داشته باشد که یقیناً همین‌طور است؛ ولی بزرگان ادبی ما که حالا ستارگان سپهر تاریخ فکری ما را شکل می‌دهند، همین سختی‌ها را بر جان و دل خریده‌اند و با موسیقی کلمات، دستی به جام باده و دستی به زلف یار، به سماع رفته‌اند. همین یگانگی هدف، در برهه‌های زمانی و تاریخی جریان‌های ادبی را به وجود آورده است و در همین زمینه‌ها است که متونی پا به عرصه ادبی و فرهنگی می‌گذارند که هنوز هم الگوی فکری و فرهنگی و ساختار زبانی ما را شکل می‌دهند. پرسش اساسی در این جا است که راز موفقیت جریان‌های فکری گذشته چه بوده است؟ آیا می‌توان تنها دلیل و علت تامه را زیست حرفه‌ای فرهنگی دانست یا عوامل دیگری نیز دخالت داشته‌اند؟

زمان حال

تحولات دنیای جدید بسیاری از معیارهای زیستی ما را نیز متغیر کرده است. به نظر می‌رسد زیست فرهنگی نیز نسبت به گذشته دگرگونه شده باشد؛ اما تغییراتی اگر دیده می‌شود بیشتر به صورت است، نه در اصل واقعیت. اگر دیروز زیست فرهنگی همراه بود با دل‌کنندن از تجملاتی که در دیگر زمینه‌ها نصیب انسان‌های دیگر می‌شد، امروزه نیز از همان رنگ و بوی برخوردار است. رنج‌هایی را که دیروز انسان فرهنگی در تعهد و زیست فرهنگی و راه افتادن به دنبال عشق فرهنگی و آفرینشی‌اش بر شانه‌هایش می‌کشید، انسان فرهنگی امروز نیز به گونه متفاوت‌تر بایستی تحمل کند.

امروزه با این‌که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تیپ فرهنگی می‌تواند به آسانی زندگی حرفه‌ای و زیست فرهنگی خودشان را داشته باشند؛ اما هنوز هم در کشور ما به امر محال می‌تواند در مسیر علاقه‌مندی‌ها و آفرینش گام بردارند و هم چرخ زندگی‌شان بچرخد، در این سرزمین طلسم شده، به رؤیا نزدیک‌تر است تا به واقعیت. کجا است همان زمینه‌ای که فرهنگی ما بنشیند و متن و فکر تولید کند و به جز تولیدات فکری، دغدغه دیگری نداشته باشد.

در دوران معاصر همواره دو علت مهم بازدارنده پیش روی زیست فرهنگی قد برافراشته‌اند؛ یکی این‌که هیچ‌گاه این تیپ از سوی دستگاه حکومتی به رسمیت شناخته نشده است. هرچند که امروز وزارتتی به نام فرهنگ داریم و دم و دستگاهی از این قبیل، ولی پیچیده در هزارتوی دیواره‌هایی است که اهالی فرهنگ را در آن راهی نیست و برنامه‌اش هرچه هست به جز طرح عملی برای فرهنگ. علت دیگر به خود فرهنگیان برمی‌گردد، در واقع هرچه پیش آمده است و پیش روی این تیپ است، برخاسته از کردار و منش خودشان هم است. ما در تاریخ معاصر کمتر فرهنگی‌ای را می‌شناسیم که خودش را در بافت سیاست جای نداده باشد و ذهنش را تنها نسبت به فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی متمرکز کرده باشد. سیاست و حکومت همواره مقصد مهمی برای فرهنگیان این سرزمین بوده است. بسیاری از بزرگان ادبی ما همین‌که توانسته‌اند از مجرای فرهنگ راهی به سوی سیاست باز کنند، به همان سوی خیز برداشته‌اند و در نهایت به همان ساختار حل شده‌اند. فرهنگی‌ای که خودش را نداشته باشد و ایده‌آل‌های فکری و انسانی‌اش را به تصویر کشیده نتواند، انگار مرده است. سرنوشت نسل امروز فرهنگی ما نیز چنین است. پراکندگی و مرزبندی‌های همه‌سویه، دیوارهای بلند فاصله، یخ‌بستگی‌های ارتباطی هیچ‌گاه اجازه با هم زیستن و فرهنگی زیستن را به این تیپ نداده است. این روزها ماییم و چنگال از هم پاشیدگی در هر کوی و برزنی و قربانی شدن ایده‌آل‌ها و حرف‌هایی از جنس انسان.

هرچند امروزه تمام نگاه‌های ما به سوی امور سیاسی دوخته شده است؛ ولی واقعیت این است که اگر این سرزمین از مجرای امور فرهنگی به مقصدی نرسد، هیچ‌گاه چهره آرامش را به خود نخواهد دید. دنیای پر از زودبندهای سیاسی و فراموشی فکر و فرهنگ همان راهی است که تا حالا رفته‌ایم و این چشم‌انداز معبری است به سوی بیراهه و ما لعلبتکان خوش‌رنگی بر سرانگشتان دیگران که به هر سوی مان می‌چرخانند.

مدیر مسئول

جریان‌های تاریخی ادبیات کلاسیک ما به دو شکل رقم خورده‌اند؛ جریان‌هایی که به زیست حرفه‌ای فرهنگی شخص متکی‌اند و جریان‌هایی که در کنار دستگاه حکومتی و دربار شکل یافته‌اند. گونه اول به سخت‌جانی و سلوک و رفتار شخصی خود فرهنگیان و صاحبان اندیشه برمی‌گردد؛ این‌که شخص فرهنگی چه اندازه می‌تواند ذهن و روح و روانش را در خدمت ادبیات و هنر قرار دهد و خارج از دغدغه ادبی و بیان درد و رنج انسان، به چیزی دیگری نیندیشد. این گونه زیست و مراقبه شاید سخت به نظر بیاید که هست، اما ممکن. در این گونه زیست و سلوک، کسانی را می‌بینیم که پیچیده در شولای عشق و شیدایی به جز خرام فرهنگ و آفرینش و کلمه، به قامت هیچ دل‌برای دیگری ندیده‌اند. طی طریق فرهنگی و بریدن از وسوسه‌های پر زرق و برق زندگی و قناعت پیشه کردن، راهی است که به غیر از عشق او را چاره‌ای نیست. ما در گذشته تاریخی خود بزرگانی را می‌بینیم که چگونه با عشق ادبی زیست کرده‌اند و چه زجر و رنج‌هایی را که نچشیده‌اند. ما ظاهرش را می‌بینیم؛ ولی آن عشق درونی را هرگز نمی‌توانیم درک و دریافت کنیم. ما هرگز نمی‌توانیم رفتار مرد دهقان‌پیشه‌ای را درک کنیم که تمام دارایی و زمین پدری‌اش را خرج آفرینش ادبی می‌کند و محصول فکری و آفرینشی‌اش را به دربار غزنین می‌رساند. گذشتن او از زندگی و باغ‌های پدری‌اش هرگز به خاطر طمع سکه‌هایی نبوده است که شاید از شاه غزنین نصیبش می‌شد، چنان‌که پول سیاهی هم عایدش نشد؛ بلکه او عمق فاجعه فرهنگی جغرافیای زبانی‌اش را می‌فهمید و تب افتاده بر تن نیمه‌جان زبانش را درک می‌کرد و هم چنین، نسبت عشقش را به این فرهنگ. همین‌طور است سرنوشت شوریده بلخ؛ کسی که جایگاه جا افتاده مردمی، درس، مدرس و شاگرد را به کناری می‌نهد و شوریده‌سر موجی از بی‌کرانگی زبان و فکر را برای انسان بعد از خود به ارمان می‌گذارد و همین‌طور باوری به انسان و وارستگی را؛ کسی که ارزش انسان را به فکر، اندیشه و آفرینش می‌دیده است نه به زیست حیوانی و دوزخ‌عشرتی برخاسته از عادت طبیعت.

گونه دیگر زیست فرهنگی در کنار دستگاه‌ها و ساختار حکومتی و درباری تجربه شده است. دستگاه‌های سیاسی در برهه‌های مختلف تاریخی هرگز ساختار فرهنگی و تشکل‌های فرهنگی را به تاق‌نسیان نمی‌گذاشتند و علاوه بر این‌که ساختار فرهنگی در کنار دربار، شأن و منزلتی برای آن‌ها می‌بخشید، به نحوی به تکامل فکری و فرهنگی نیز چشم داشتند. رونق ادبی و تولیدات فرهنگی دربار غزنین در دوران غزنوی‌ها و شکوه جریان ادبی دربار بابریان و تولد سبک هندی در ادبیات، از جمله نمونه‌های این گونه نگرش‌اند.

تعامل قدرت و فرهنگ باعث می‌شد که هر دو جریان نفع خودشان را داشته باشند؛ از سویی رونق فرهنگی و حضور جریان‌های فکری باعث مدح و ستایش خودشاهان شده، جایگاه آن‌ها را در منظر عموم رعیت بالا و خدای گونه به تصویر می‌کشید و محکم می‌کرد، از سوی دیگر به همان اندازه رونق فرهنگی و جریان‌های خلق آثار برتر زبانی و فکری شکل می‌گرفت. از همین روی، در دوران‌های تاریخی آثاری آفریده شده است که هنوز هم نردبان حرکت به سمت شکوه فکری انسان امروز است.

زیست فرهنگی را به هرگونه‌ای که در نظر بگیریم، راهی است به سوی رهایی و خلق آثار فخم و اعتلای فرهنگی و بیرون‌رفت از جهل مرکبی که گاه برای نادانان دانایی‌پندار دست می‌دهد.